

بیتوته

دانشگاه شهید بهشتی  
دانشکده ادبیات و علوم انسانی  
گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد  
رشته زبان و ادبیات فارسی

موضوع:

دعا و مناجات در شاهنامه فردوسی

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر کاظم دزفولیان

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر محمد علی سجادی

دانشجو:

حجت خوشه چین

۸۸۳۸

سال تحصیلی:

۱۳۷۸-۷۹

۳۱۳۵۶

مرکز اطلاع‌رسانی و مرکز علمی ایران  
تعمیرت مرکز

تقدیم به پدر و مادر و همسر

آنانکه نخورند و نگفتند

تا توشه راهی بنهفتند

و تقدیم به همه کسانی که چگونه آموختن را به من یاد دادند.

۳۱۳۵۶

## پیشگفتار:

داستانهای حماسی از جمله آثاری هستند که خصایص نژادها و ملل جهان، چگونگی مدنیت، مجاهدات، رنجهای ایشان، تکوین تمدن و ملیت، معرفت قوه خیال، فکر و درجه استعداد آنها را در خود منعکس می‌کنند. از این‌رو، بر هر ملتی واجب است که به تحقیق در داستانها و منظومه‌های حماسی خود و یافتن ریشه و بنیاد آنها بپردازند. مخصوصاً حماسه‌های ملی مبتنی بر بسیاری از حقایق تاریخی و تحقیق در آنها وسیله اطلاع بر سرگذشت هر قوم و ملت است در قدیمی‌ترین ایام زندگی آنان.

خوشبختانه ایرانیان پس از هندوان قدیمی‌ترین قوم آریایی هستند که از آنها آثار زیبایی به زبانهای مختلف (اوستایی - پهلوی - فارسی) برجای مانده و بعضی از آنها مانند کتاب «شاهنامه» به عقیده ناقدان سخن در شمار بزرگترین آثار حماسی جهان به‌شمار می‌آیند. بنابراین، بر هر ایرانی صاحب ذوق و سخن‌سنجی واجب است که به تحقیق و بررسی در این کتاب سترگ بپردازد و گوشه‌ای از زوایای این اقیانوس ناپیداگران را بگشاید. بنده نیز برحسب وظیفه و حقی که این کتاب بزرگ بر گردن همه ما ایرانیان نهاده، بر خود واجب دیدم که موضوع تحقیق و رساله خویش را از کتاب شاهنامه برگزینم و در حد توان و بضاعت مزجات و اندک‌مایه علمی خود، در بخش کوچکی از این کتاب بزرگ به تحقیق و بررسی بپردازم. اگرچه این تحقیق دارای نقائص و معایب عدیده‌ای است، امید است که استادان و سخن‌سنجان با دیده اغماض در آن بنگرند و این کاستیها را نادیده بگیرند.

موضوع این تحقیق چنانکه ذکر شد «دعا و مناجات» در کتاب «شاهنامه» است. برای این

تحقیق از اکثر کتب و رسالاتی که در این زمینه نوشته شده است استفاده نموده‌ام و هر موضوعی را با استناد به ابیات شاهنامه بررسی کرده‌ام؛ زیرا بهترین راه برای فهمیدن و فهماندن موضوع و مطلب، استفاده از شواهد و دلایلی است که در متن کتاب دیده می‌شود.

این رساله به پنج فصل تقسیم می‌شود و هر فصل عنوانهای گوناگونی دارد، چون کتاب شاهنامه يك کتاب حماسی است و تاریخ و سرگذشت قوم ایرانی را به شیوه آرمانی از قدیمی‌ترین ایام نشان می‌دهد، در فصل اول حماسه و انواع آنرا تعریف کرده‌ایم و اهمیت فردوسی و شاهنامه را در پهنه ادب فارسی بیان نموده‌ایم، و با ذکر قرائن و نمونه‌های از کتاب شاهنامه و سایر کتابهایی که در زمینه فردوسی و شاهنامه نوشته شده است، مطالب را القاء نموده‌ایم.

در فصل دوم به تعریف دعا و مناجات پرداخته‌ایم و ریشه مناجات و معنی خاص و عام آنرا بیان کرده‌ایم و همچنین دعا و مناجات را در ادبیات قبل و بعد از اسلام مورد بحث و بررسی قرار داده‌ایم و نمونه‌ها و قرائنی دعا و مناجات از کتاب اوستا و سایر متون ادبی بعد از اسلام ذکر کرده‌ایم.

در فصل سوم به بیان جلوه‌های گوناگون دعا و مناجات در شاهنامه پرداخته‌ایم و آنها را به مناجاتهای مذهبی، پهلوانی، شهریاری و عاشقانه تقسیم نموده‌ایم و ابیات و نمونه‌های از متن کتاب شاهنامه به عنوان شاهد مثال ذکر کرده‌ایم و قبل از بیان جلوه‌های گوناگون مناجات، در آغاز هر قسمت، به ترتیب مذاهب ایرانیان باستان، پهلوانان، شهریاران و موضوع عشق و زن در کتاب شاهنامه فردوسی را توضیح داده‌ایم.

در فصل چهارم، جلوه‌های گوناگون دعا را با ذکر نمونه‌های از کتاب شاهنامه بررسی

کرده‌ایم و آنها را به دعاهای شهریاری، پهلوانی، جلوه‌های دیگر دعا و دعاهای سلطانی تقسیم نموده‌ایم.

در فصل پنجم، مذهب فردوسی، مقایسه اثر وی با اثر دقیقی، برجسته‌ترین شخصیت شهریاری دعا و مناجات، برجسته‌ترین شخصیت پهلوانی دعا و مناجات و جلوه‌های گوناگون هنری فردوسی و شاهنامه را بیان نموده‌ایم.

یکی از مزایایی که در این رساله دیده می‌شود این است که ما در هر مورد که به تحقیق و بررسی پرداخته‌ایم، ابیاتی از کتاب شاهنامه را به عنوان شاهد مثال ذکر کرده‌ایم؛ زیرا کار بدون دلیل و قرائن چندان اعتبار و ارزشی ندارد.

یکی دیگر از مزایای این رساله آن است که ما کلمه «دعا و مناجات» را به معنی عام و خاصش در نظر گرفته‌ایم و از هیچکدام از معانی آنها غافل نمانده‌ایم.

در پایان برخورد لازم می‌دانم از زحمات پاك و بی‌شائبه و صادقانه آقایان زیر تشکر و قدردانی کنم:

(۱) جناب آقای دکتر کاظم دزفولیان که سمت راهنمایی این رساله را برعهده داشته‌اند و تا پایان کار صمیمانه با اینجانب همکاری نموده‌اند.

(۲) جناب آقای دکتر محمدعلی سجادی که سمت مشاوره این رساله را برعهده داشته‌اند و از هیچگونه همکاری دریغ نورزیده‌اند.

(۳) تمامی استادان گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید بهشتی که اینجانب از محضر آنها بهره‌های فراوان برده‌ایم و آنچه داشتند در برابر ما در طبق اخلاص نهادند.



۴) همچنین از راهنمایی دوست فاضل و دانشمند جناب آقای غلامحسین فلکی که ما را

در طی این مسیر راهنمایی نمودند.

امید است که همگی این استادان و پاسبانان علم و دانش در سایه لطف و عنایت حق

باشند و از الطاف و نعم وی در تمامی مراحل زندگی بهره‌مند گردند.

بعزّه و منه

آذر ماه ۱۳۷۸

## فهرست مطالب

مقدمه

### «فصل اول»

(۱) تعریف حماسه و ویژگیهای آن

(۲) انواع حماسه از نظر بافت و ساختمان

الف) حماسه طبیعی

ب) حماسه مصنوعی

(۳) انواع منظومه‌های حماسی از لحاظ معنی و مفهوم

الف) حماسه‌های اساطیری و پهلوانی

ب) حماسه‌های تاریخی

ج) حماسه‌های دینی

(۴) منشأ و تکوین حماسه ایرانی

(۵) شاهنامه و فردوسی

### «فصل دوم»

(۱) تعریف دعا و مناجات

(۲) انگیزه دعا و مناجات

(۳) دعا و مناجات در ادبیات پیش از اسلام

(۴) دعا و مناجات در ادبیات بعد از اسلام

صفحه

۱۰

۱۴

۲۱

۲۱

۲۳

۲۴

۲۴

۲۷

۲۹

۲۹

۳۷

۵۱

۵۶

۵۸

۶۲

## «فصل سوم»

- ۶۷ (۱) دعا و مناجات در شاهنامه فردوسی
- ۷۰ (۲) دین در شاهنامه
- ۷۴ (۳) دعا و مناجاتهای دینی شاهنامه فردوسی
- ۷۵ (۴) پهلوانان در شاهنامه
- ۸۱ (۵) دعا و مناجاتهای پهلوانی
- ۹۲ (۶) شاهان و شاهزادگان در شاهنامه
- ۹۸ (۷) دعا و مناجاتهای شهریاری
- ۱۱۲ (۸) تراژدی و تعاریف آن در شاهنامه
- ۱۱۵ (۹) سیمای زن در شاهنامه
- ۱۲۴ (۱۰) مناجاتهای عاشقانه شاهنامه

## «فصل چهارم»

- ۱۲۸ (۱) ریشه دعا و معنی لغوی و اصطلاحی آن
- ۱۲۸ (۲) اهمیت دعا در اسلام
- ۱۳۰ (۳) آداب و شرایط دعا
- ۱۳۲ (۴) انواع دعا
- ۱۳۲ الف) دعای پهلوانی
- ۱۳۶ ب) دعای شهریاری



صفحه

۱۱۹

ج) جلوه‌های دیگر دعا

۱۴۶

د) سلطان محمود و فردوسی

۱۵۵

ه) دعای سلطانی

«فصل پنجم»

۱۵۸

۱) مذهب فردوسی و مناجات‌های دینی

۱۶۶

۲) رستم، برجسته‌ترین شخصیت پهلوانی دعا و مناجات در شاهنامه

۱۷۴

۳) کیخسرو، برجسته‌ترین شخصیت شهریاری دعا و مناجات در شاهنامه

۱۷۹

۴) فردوسی و دقیقی

۱۸۶

۵) جلوه‌های گوناگون هنری شاهنامه

## «یا هو»

مقدمه:

بم یادم دلچسپ در اوان کودکی، روزهای که به خانه مادر بزرگم می‌رفتیم، دایی «نوروز»، دایی مادرم، کتاب شاهنامه را با صدای گرم و رسا و با بیانی جذاب و گیرا برای ما می‌خواند، به گونه‌ای در آن ایام که من هفت هشت سال بیشتر نداشتم، تحت تأثیر قرار می‌گرفتم و موی بر اندامم بلند می‌شد. بخصوص هنگامی از ایران و پهلوانان آن و رزمهای آنان با تورانیان و شکست آنان صحبت می‌کرد. چه کنیم که عرق ملی بود و صداقت و لطافت روح کودکانه. لذا از همان دوران به «شاهنامه» علاقمند شدم و دوست داشتم که داستانهای آن، بخصوص، داستان رستم و سهراب و رستم و اسفندیار را یاد بگیرم.

وقتی وی در داستان رستم و سهراب می‌گفت که رستم پسر خود را کشته است، من در فکر فرو می‌رفتم و با خود می‌اندیشیدم که چگونه ممکن است، پدری فرزند خود را بکشد و او را نشناسد و سوالاتی از این قبیل موارد که به ذهن کودکانه من می‌رسید.

به هر حال ما گاه و بی‌گاه به خانه مادر بزرگ می‌رفتیم و دایی «نوروز» که همسایه مادر بزرگم بود، برای ما شاهنامه می‌خواند و همگی ما با شور و نشاط و علاقه وافر چهار چشم و گوش به صحبت‌های وی گوش می‌دادیم. وی به اندازه‌ای در خواندن شاهنامه مهارت داشت که او را در آن زمان از طرف رادیوی ایران دعوت کردند و وی با صدای زیبایی خود شاهنامه را خواند و مسئولان رادیو، صدای وی را پخش کردند.

این شور و نشاط و عشق و علاقه در من از آن زمان به بعد نسبت به شاهنامه فردوسی ایجاد

شد و همچنان ادامه داشت، تا اینکه در دوره نوجوانی به مدرسه راهنمایی رفتیم. در متون ادب فارسی کتابهای راهنمایی چند داستان کوتاه از داستانهای شاهنامه وجود داشت که خود زمینه علاقه بیشتر من نسبت به شاهنامه شد. از آن به بعد با شور و نشاط عجیبی به دنبال اصل و اساس این داستان گشتم، تا اینکه بعد از تفحص و جستجوی بسیار کتاب شاهنامه را فراهم کردم.

از آن زمان همواره داستانهای شاهنامه را می‌خواندم و در آنها تفحص و جستجو می‌کردم تا اینکه این توفیق بر من ارزانی شد که در رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران قبول شدم. در این مرحله از زندگی خود با دقت و تیزبینی خاصی به تحقیق و بررسی بسیاری از کتبی که درباره فردوسی و شاهنامه نوشته شده بود، پرداختم و با بررسی موشکافانه خویش، هر روز بر معلومات من نسبت به شاهنامه افزوده می‌گشت.

تا اینکه در دوره کارشناسی ارشد بخت با من یاری کرد و من توانستم با یاری استادگران سنگ خویش آقای دکتر کاظم دزفولیان، با انتخاب موضوع «دعا و مناجات» در کتاب شاهنامه به عنوان پایان‌نامه کارشناسی ارشد مطالعه و تحقیق در زمینه فردوسی و شاهنامه استمرار یابد و با هر بار خواندن این کتاب عظیم که روح مردم ایران و فرهنگ و مجد و عظمت‌های آنان را به نمایش می‌گذارد، زوایای تازه‌ای از این کتاب سترگ بر من گشوده شود. اما افسوس که امروز دیگر صدای گرم شاهنامه از قهوه‌خانه و زورخانه‌ها و مجامع عمومی محو شده و در عرصه محدود و تنگ دانشگاه‌ها قرار گرفته است و جای رستم و سهراب و اسفندیار را قهرمانان ژاپنی، مغولی و سامی گرفته‌اند و به‌جای درفش اژدهای پیکر رستم، در سینما و تلویزیون درفش



پهلوانان سامی و مغولی در اهتزاز است. آرزو دارم که روزی دوباره قدر و ارزش این کتاب سترگ دانسته شود و از عرصه محدود و تنگ دانشگاهها بیرون آید و در مجامع عمومی و در اختیار همگان قرار گیرد و صدای گرم و دلنشین آن در اطراف و اکناف ایران شنیده شود. امید است که با بررسی این موضوع از کتاب شاهنامه توانسته باشیم گوشه‌ای از زوایای این اقیانوس پهناور ادب فارسی را کشف کرده باشیم و خود این رساله راهی باشد برای مطالعه مستمر و همیشگی بنده در این کتاب سترگ و عظیم.

## «فصل اول»

(۱) تعریف حماسه و ویژگیهای آن

(۲) انواع حماسه از نظر بافت و ساختمان

الف) حماسه طبیعی

ب) حماسه مصنوعی

(۳) انواع منظومه‌های حماسی از لحاظ معنوی و مفهوم

الف) حماسه‌های اساطیری و پهلوانی

ب) حماسه‌های تاریخی

ج) حماسه‌های دینی

(۴) منشأ و تکوین حماسه قوم ایرانی

(۵) شاهنامه و فردوسی

## تعریف حماسه و ویژگیهای آن

کلمه «حماسه» مصدر ثلاثی مجرد است از ریشه حَمَس، به معنی دلاوری است. عموماً

دست به کارهای خارق‌العاده زدن را حماسه گویند.<sup>(۱)</sup>

اما در اصطلاح ادبیات «حماسه» به اشعاری داستانی - روایی گفته می‌شود که شامل تلاش

و کوشش و مجاهده ملتی برای اعاده استقلال و ملیت در برابر دشمنان داخلی و خارجی باشد و

در عین حال دارای اعمال خارق‌العاده، وصف قهرمانیها و دلاوریهای افرادی باشد که جنبه

تخیلی دارند و آن افراد آینه تمام‌نمای خصوصیات و روحیات آن ملت باشند و عظمتها و

مجددهای گذشته آن ملت را در خاطره‌ها تجدید کنند.

در یادداشتهای آقای رضا براهنی آمده است: اساس «حماسه» و «قصیده» بدون تردید بر

«رجز» عربی است، حتی اگر رجز موجود در حماسه و قصیده فارسی، عملاً عناصری را تبلیغ کرده

باشد که یا غیرعربی هستند و یا عملاً با عربیت سر مخالفت دارند.<sup>(۲)</sup>

در یک اثر حماسی تمام امور مربوط به یک ملت دیده می‌شود: تشکیل قومیت، چگونگی

تهیه پوشاک و خوراک، آداب و رسوم، اعتقادات مذهبی، سیاست و آنچه تمدن يك ملت از آن

تکوین می‌یابد، در آن دیده می‌شود.

آقای اسلامی ندوشن در کتاب «آواها و ایماها» خود حماسه را اینگونه تعریف می‌کنند:

«اصولاً شعر حماسی شعری است که حاکی از تکوین قومیت مردم یک سرزمین است. به عبارت

دیگر، ملتی در دوران کهن، به‌خاطر تکوین و در واقع کیفیت قومیت خویش و همچنین استقرار

۱- ر.ک. فرهنگ جامع نوین عربی، ج ۱، ص ۲۸۹.

۲- ر.ک. حریری، ناصر، فردوسی (زن و تراژدی) ص ۱۴۹.

در محل یا سرزمین یک سلسله جنگ و گریزها داشته است که پس از آن مطالبی به صورت واقعیت یا افسانه درباره این جنگ و گریزها بیان شده است و بعدها با گذشت زمان به این واقعیت یا افسانه‌ها شاخ و برگهای داده شده و به همین ترتیب گردآوری گردیده و در آخرین مرحله به وسیله شاعر قدرتمندی توانسته است تشکیل حماسه قومی آن ملت را بدهد»<sup>(۱)</sup>

آقای دکتر ذبیح‌الله صفا در کتاب «حماسه‌سرایی در ایران»، می‌گویند: «لازمه یک منظومه حماسی تنها جنگ و خونریزی نیست، بلکه منظومه حماسی کامل آن است که در عین توصیف پهلوانیها و مردانگیها قوم، نماینده عقاید و آراء و تمدن او نیز باشد. این خاصیت در تمام منظومه‌های حماسی جهان موجود است.»<sup>(۲)</sup>

به عنوان مثال وقتی به شاهنامه فردوسی نگاه می‌کنیم، متوجه می‌شویم، استاد طوس در عین اینکه به جنگ و مجاهده ایرانیان علیه دشمنان، بالاخص تورانیان پرداخته است، به سایر امور اجتماعی ایرانیان و مظاهر تمدن آنها، از آداب و رسوم گرفته تا مذهب و عشق‌بازیها و حتی مجالس بزم و شادی آنها توجه کرده است.

بنابراین آنچه مواد اصلی یک حماسه را تشکیل می‌دهد، جنگ و خونریزی نیست، بلکه امور دیگری از قبیل: اخلاق، مذهب، آراء و عقاید فلسفی، آداب و رسوم اجتماعی و بسیاری مسائل دیگر دخالت دارند.

یک شاعر حماسه‌سرا وظیفه دارد، آداب و رسوم را همانگونه که در بین مردم وجود داشته و سینه به سینه و نسل به نسل نقل شده، بدون هیچگونه دخل و تصرفی نقل کند؛ از این حیث

۱- ر.ك. اسلامی ندوشن، محمدعلی، آواها و ایماها، صص ۱۰۴ و ۱۰۳.

۲- ر.ك. صفا، ذبیح‌الله، حماسه‌سرایی در ایران، ص ۳۰.